بسم الله الرحمن الرحیم

**عنوان تحقیق‌**

**بررسی نگرش طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم به کارکرد اجتماعی روحانیت در ایران معاصر**

# فصل اول- کلیات تحقیق

## بیان مسأله و ضرورت تحقیق

روحانیت شیعه از زمان شکل‌گیری، یکی از اصیل‌ترین و بانفوذترین گروه‌ها در تاریخ ایران بوده است و از زمان شکل‌گیری در مهمترین تحولات تاریخی زمانه‌ی خود نقشی قابل توجهی ایفا کرده است. روحانیت همواره در بستر تاریخ جایگاهها و به تبع کارکردهای متنوعی داشته است.

کارکردهای روحانیت را می‌توان به لحاظ نوع آن، اقلا به ۵ بخش کارکرد علمی، کارکرد تبلیغی، کارکرد سیاسی، کارکرد اقتصادی و در نهایت کارکرد اجتماعی تقسیم نمود. نهاد روحانیت و حوزه علمیه، بیشتر با کارکرد علمی یعنی اجتهاد و پاسخ به سوالات دینی مردم و برگزاری محاجه و مناظره با مخالفان و تالیف کتب برای حفظ تراث دینی و کارکرد تبلیغی یعنی وعظ و خطابه و مرثیه بر منبر در مناسبت‌های مذهبی و احیانا کارکرد سیاسی چه در جایگاه انتقادی در مقابل حاکمان و رهبری نهضت‌ها و انقلاب‌ها و چه در جایگاه نظریه‌پرداز یا مشاور مذهبی در بالین حاکمان شناخته می شود. در مواردی این نقش‌آفرینی سیاسی به اندازه‌ای گسترده و اثرگذار بوده که به کلی مناسبات موجود زمانه‌ی خود بر هم زده و شکل جدیدی از زیست اجتماعی و سیاسی را فراهم آورده است. همچنین روحانیت، ناگزیر به خاطر مسئله وجوهات، خمس، زکات، نظام پرداخت شهریه و ... به امور اقتصادی نیز وارد شده است و گاه نیز اساسا به طور مستقیم و عینی تر در سرمایه گزاری‌ها، تولید و کسب ثروت ورود پیدا کرده است.

اما جدای از همه‌ی اینها، کارکرد و نقش **اجتماعی** روحانیت نقطه مرکزی و سوال اصلی این تحقیق است. در طول تاریخ حضور روحانیت در میان مردم بسیار پررنگ بوده و طیف وسیعی از کارکردهای متنوع اجتماعی موثر را شامل می‌شده است. آموزش به کودکان در مکتب‌خانه‌ها، نقش‌آفرینی محوری در عرفی‌ترین مناسک، مشورت‌دهی به جوانان و خویشاوندان در امور زندگی، کارهای خیر، میانجیگری و ریش سفیدی در اختلافات و منازعات، محوریت در مراسم‌ و سنت‌های مهمی همچون وصلت‌ها، ختم‌ها و انواع و اقسام جشن‌ها و محافل تنها بخشی از نقش‌آفرینی اجتماعی رایج و غیرقابل چشم‌پوشی روحانیون در گذشته است.

بروز و ظهور و گسترش فزاینده‌ی نهادهای متنوع جوامع تخصصی مدرن همچون شوراهای حل اختلاف و محاکم قضایی، آموزش و پرورش، مراکز مشاوره‌ی گوناگون در حوزه‌های خانواده، کودک، ازدواج، طلاق، کمپ‌های ترک اعتیاد، مراکز روانکاوی و ... که به پشتوانه‌ی قدرت نهاد علم شکل گرفته‌اند، باعث شده است که مردم برای پاسخ به بخش زیادی از نیازهای اجتماعی خود به این نهادها مراجعه کنند و بدین ترتیب بخش قابل توجهی از کارکردهایی که در گذشته روحانیت ایفا‌کننده آن بود پوشش داده شود.

از طرفی همه‌گیر شدن بیش از پیش رسانه‌ و دسترسی همه‌جانبه‌ی تمام اقشار جامعه حتی در دورافتاده‌ترین مناطق به طیف متنوعی از رسانه‌های مکتوب و تصویری و گسترش سریع و فزاینده‌ی موج جدیدی از شبکه‌های اجتماعی در دوران جدیدِ جامعه‌ی ایران و مشخصا در یک دهه‌ی اخیر و مواجه شدن مردم با دادهها و اطلاعات و پرسش‌هایی که بیشتر کمتر به آن دسترسی داشتند، به چالش‌های اجتماعی جدید و بی‌سابقه‌ای دامن زده است.

همزمان با این تحولات، به عهده گرفتن حاکمیت سیاسی ایران توسط بخش مهمی از روحانیون شیعه، وضعیت روحانیت را وارد شرایط جدیدی کرده است که می‌تواند جایگاه اجتماعی روحانیون را دستخوش تغییر قرار دهد و آن را دچار فراز و فرودهایی کند.

دست به دست هم دادن این عوامل متعدد و این دگرگونی‌های عظیم در جامعه مدرن سبب شد که علاوه بر تغییرات بسیار زیاد در حوزه‌های مختلف علوم و دیدگاه‌های بشر به مسائل مختلف، نهادها و گروه‌ها هم دستخوش تحول قرار گیرند. با تخصصی شدن فزاینده‌ی نهادها، ظهور اینترنت و همه‌گیر شدن بیش از پیش رسانه‌ها و حرکت تاریخی بشر به مرحله‌ای جدید طبیعی است که روحانیون هم ناگزیر تحت تأثیر این تحولات قرار گیرند و خود را در برابر شرایطی جدید ببینند. علاوه بر همه‌ی این‌‌ها به عهده گرفتن حاکمیت سیاسی توسط روحانیون در سال ۱۳۵۷ در ایران مزید بر علت شد و روحانیون و حوزه‌های علمیه را در برابر یک وضعیت تاریخی تجربه‌ نشده قرار داد. در یک چنین شرایطی پرسش از جایگاه و کارکرد اجتماعی روحانیت شیعه موجه و اجتناب‌ناپذیر است.

## اهداف تحقیق

در تحقیق پیش‌رو تلاش می‌کنیم اهداف زیر را دنبال نماییم:

1. فهم و تبیین نگرش روحانیون نسبت به وضعیت، نقش و جایگاهشان در بین جریان‌ها و گروه‌های مختلف در سالهای اخیر جامعه ایران
2. درکی کلی از ضریب نفوذ روحانیون در سال‌های اخیر جامعه ایران
3. بررسی تغییر و تحولات صورت گرفته در شکل‌های مختلف حضور و تاثیرگذاری اجتماعی روحانیون در جامعه ایران

## سوالات تحقیق

با وجود زوایای متنوعی که می‌توان از دریچه آن به مسئله تحقیق پرداخت، سوالات زیر در این تحقیق به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است:

1. کارکرد اجتماعی گروه مرجعی مانند روحانیت که در دوران سنت نقش‌آفرینی بسیار پر رنگی داشته‌ است، در چه وضعیتی قرار دارد و با چه چالش‌هایی روبروست؟
2. در این وضعیت جدید، روحانیت خود را در برابر چه مخاطراتی می‌بیند و پایگاه اجتماعی و عمق تأثیرگذاری خود را چطور ارزیابی می‌کند؟
3. آیا از نظرگاه روحانیت،‌ نقش‌آفرینی اجتماعی این گروه کماکان پررنگ و موثر است و یا اینکه جایگاه اجتماعی‌اش رو به افول نهاده و نیاز مبرم به بازیابی و بازسازی دارد؟
4. روحانیت در شرایط حال حاضر مناسبات خود و جامعه و برهمکنش خود و سایر گروه‌های اجتماعی را چگونه صورت‌بندی می‌کند؟
5. حضور اجتماعی روحانیت در سالهای اخیر جامعه ایران دستخوش چه تغییر و تحولاتی شده است و روحانیت چه شکل‌های جدیدی از کنش‌گری اجتماعی را تجربه می‌کند؟

این سوالات و سوالاتی از این دست بخشی از پرسشهای حیاتی برای شناخت جایگاه فعلی و آسیب‌شناسی حوزه علمیه و روحانیت است.

## روش تحقیق

به نظر محقق که خود سابقه‌ی سالها تحصیل در حوزه علمیه را دارد و اکنون مشغول تحصیل در مرحله‌ی درس خارج است، این پرسشها بیش از هر جای دیگر باید درون خود حوزه‌ی علمیه طرح شود و بخش مهمی از پاسخ آن باید در گفتگو با خود طلاب و روحانیونی که دارای ارتباط موثر و مستمر با جامعه هستند به دست آید. لذا این تحقیق برای کاویدن «کارکرد اجتماعی روحانیت در ایران معاصر» به سراغ خود طلاب حوزه علمیه قم رفته است.

در این تحقیق از رویکرد کیفی با نمونه‌گیری نظری و هدفمند،‌ جمع‌آوری داده از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساخت یافته و تحلیل و تفسیر آنها از طریق تحلیل تماتیک استفاده خواهد شد. ناگفته پیداست که این تحقیق به اقتضای کیفی بودن ادعای تعمیم نتایج را ندارد و صرفا درصدد کاویدن عمیق این مسئله، تلاش برای صورتبندی،‌ تحلیل، و دستیابی به یک بینش نسبت به آن است. پژوهش کمی و پیمایش در اینباره هرچند مورد نیاز و بسیار ضروری می‌نماید اما از عهده این پژوهش خارج است.

جامعه آماری این پژوهش طلاب و روحانیون حوزه علمیه‌ی قم هستند و نمونه‌ به شکل هدفمند، از گرایش‌ها و سنین و مقاطع مختلف روحانیون انتخاب خواهد شد و جمع‌آوری داده تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه خواهد یافت. پیش‌بینی می‌شود این اشباع نظری بعد از حدود ۲۰ مصاحبه تحقق یابد.

# فصل دوم- ادبیات تجربی و نظری تحقیق

## پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات و پژوهشهای منتشر شده درباره روحانیت شیعه بیش از آنکه به کارکردهای اجتماعی روحانیت بپردازند، بر روی جایگاه و کارکردهای سیاسی روحانیت تمرکز داشته‌اند. و بیش از آنکه به جامعه معاصر ایران توجه کنند رویکرد تاریخی و مقایسه‌ای دارند. برای مثال مطالعات انجام شده بر نقش سیاسی روحانیون در نهضت مشروطه چشمگیر است. با این حال پژوهشهایی که به نوعی به مورد تحقیق این مقاله مرتبط هستند در ادامه می‌آیند.

1. پایان نامه « [بررسی عوامل موثر بر کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران (بررسی موردی شهر آمل)](https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/513730)» - کاظم سام دلیری- دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی- سال ۱۳۸۹

مهمترین کار پژوهشی در این رابطه پایان‌نامه دکتری کاظم سام دلیری است که با راهنمایی علیرضا شجاعی زند صورت گرفته است. نویسنده با مرور بر برخی تحقیقات گذشته کاهش نفوذ اجتماعی روحانیون را پیش‌فرض خود قرار می‌دهد و بر اساس یک پیمایش در شهر آمل به کندوکاو عوامل موثر بر این کاهش نفوذ اجتماعی می‌پردازد. سام دلیری با ارائه‌ی یک مدل، نشان می‌دهد که برای کاهش نفوذ اجتماعی باید سه تحول در وضعیت ساختاری، در وضعیت صاحب نفوذ (روحانیت) و در مخاطب نفوذ ایجاد شود. بر اساس همین الگو تحولات ساختاری در وضعیت روحانیت (تغییر موقعیت و نقش روحانیون متعاقب حضور در حکومت)، تحول در خود روحانیون (تحولات عملکردی و شخصیتی آنان) و تحول در مردم (تحول در عواطف آنان نسبت به روحانیت در نتیجه نارضایتی از حکومت و ملاک‌های شکل‌گیری نفوذ در نتیجه شکل‌گیری دین‌داری‌های جدید) را محور بحث قرار می‌دهد. با مبنا قرار دادن این الگو، شش فرضیه ارائه می‌کند که علل کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت را در: حضور روحانیون در حکومت، ایفای نقش‌های غیرخاص‌ از سوی آنان، تغییر مطلوبیت عملکرد و شخصیت آنان، نارضایتی مردم از حکومت و تغییر نوع دین‌داری مردم می‌داند و با اتکا به روش پیمایش تمامی فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند.

برخی دستاوردهای این تحقیق در پژوهش حال حاضر مورد استفاده قرار خواهد گرفت اما ناگفته پیداست که تحقیق سام دلیری با فرض گرفتن کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت، برای روشن ساختن عوامل آن به سراغ مردم رفته است. در حالی که پژوهش پیش‌رو برای کندوکاو کارکرد اجتماعی روحانیت به سراغ خود روحانیت خواهد رفت و از زاویه‌ی نگاه آنان این موضوع را موشکافی خواهد کرد.

از سویی تحقیق سام دلیری بر اساس روش کمی انجام شده است و یک پژوهش کمی نمی‌تواند ما را از پژوهش‌های کیفی بی‌نیاز نماید. چرا که هر کدام از رویکردهای کمی و کیفی هدف جداگانه‌ای را دنبال می‌کند و ابعاد متفاوتی از مسئله را نمایان می‌سازد. پژوهش کیفی سعی در کندوکاو عمیق‌تر ماجرا و نشان‌دادن زوایای پنهان و پیچیده‌‌تر پدیده‌ی اجتماعی دارد.

1. مقاله «كاهش نفوذ اجتماعي روحانيت در ايران، الگويي براي بررسي»- علیرضا شجاعی زند- [فصلنامه شيعه شناسي، شماره 38](http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=4873&Number=38&Appendix=0&lanf=Fa)- سال ۱۳۹۱

شجاعی‌زند در این مقاله‌ در پی ارائه‌ی الگوی جامعی برای مطالعاتی که در رابطه با کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت انجام می‌شود است تا تمامی عوامل مستقیم و غیرمستقیم موثر بر کاهش را در سطوح گوناگون و در ترکیب با یکدیگر دربرگیرد و مسیر و روش بررسی هر یک از شاخه‌های آن را به تفکیک نشان دهد. بدین منظور، ابتدا به واکاوی مفهوم «نفوذ اجتماعی» می‌پردازد تا با کشف مشخصه‌های آنُ نوع عوامل موثر بر شکل‌گیری آن را به‌دست آورد. سپس با این تلقی که بخشی از این کاهش، ناشی از بروز ضعف و فتور در عوامل پدیدآورنده‌ی آن است، عوامل موثر بر شکل‌گیری نفوذ اجتماعی روحانیت را در قالب یک الگوی تبیینی ارائه می‌دهد و سرانجام، با بسط آن در سه سطح مردم، ساختار اجتماعی و روحانیت، به الگوی تفصیلی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران می‌رسد.

شجاعی‌زند با گلایه از عدم وجود تحقیقات میدانی کافی در رابطه با کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت، می‌خواهد ارتباط قاطع و مشخص بین کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت و برپایی حکومت دینی را به چالش کشد. گویی اشاره‌ی او به به پایان‌نامه سام‌دلیری که راهنمایی آن را برعهده داشته است و از اتقان نتایج بدست آمده از آن پژوهش میدانی که دو سال پیش از انتشار این مقاله انجام شده بود، رضایت کافی ندارد. بدین منظور در بیان مسئله‌ی مقاله‌ی خود می‌نویسد «چنین ادعا شده و با نظر به برخی از تحقیقات محدود و شواهد عینی‌، این‌گونه به نظر می‌رسد که در یکی دو دهه‌ی اخیر، از نفوذ اجتماعی روحانیت به میزان قابل توجهی کاسته شده است. با اینکه هیچ تحقیق جامع و معتبری تاکنون در این باره انجام نگرفته است تا مدعای کاهش نفوذ یا میزان و ابعاد آن را به عنوان یک واقعیت مسلم تأیید نماید، اما همین مقدار از مویدات، به ما اجازه می‌دهد تا آن را پیش‌فرض برخی تأملات تبیینی در این‌باره قرار دهیم و این پرسش را مطرح سازیم که علل کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت،‌ در شرایطی که از قدرت عمل به مراتب بیشتری از پیش برخوردار گردیده چیست؟ آیا ‌می‌توان این کاهش را به نحو قاطع و مشخص، به حساب برپایی حکومت دینی و نایل شدن روحانیت به «قدرت سیاسی» گذارد؟»

شجاعی‌زند به روشنی تأکید می‌کند که کار او میدانی نیست و تنها در پی ارائه‌ی یک الگوی تحلیلی است. آنجا که ‌می‌گوید «علت عبور سریع و سهل‌گیرانه از مدعای کاهش نفوذ به بررسی عوامل آن، این است که این مطالعه‌ی نظری-تحلیلی متکی بر یافته‌های میدانی نیست و با آنکه‌ یک تأمل مصداقی درباره‌ی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران امروز است، نیاز چندانی به اثبات تجربی پیش‌فرض، یعنی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت ندارد. این مقاله تنها عهده‌دار ترسیم ابعاد مسئله و ارائه‌ی الگویی تحلیلی است تا بر اساس آن بتوان مطالعات میدانی درباره نوع و میزان نفوذ اجتماعی روحانیت، روند تغییرات، و عوامل موثر بر آن را با اشراف و اتقان نظر بیشتری انجام داد و از اظهار نظرهای سطحی، ناقص و بعضا جهت‌دار در این‌باره به اعتبار برخی تحقیقات محدود و یافته‌های پراکنده‌، خود‌داری نمود. این الگوی تحلیلی در صورت برخورداری از منطق صحیح و اخذ تأییدات تجربی کافی، می‌تواند اشاره‌های سودمندی برای روحانیت در انجام مسئولیت‌های دینی و ایفای نقش‌های اجتماعی در ایران داشته باشد.»

برخی از یافته‌های این الگوی تبیینی-تحلیلی در مقاله پیش‌رو مورد بررسی و استفاده قرار خواهد گرفت اما ناگفته پیداست که این الگو نمی‌تواند ما را از انجام تحقیقات میدانی در این حوزه بی‌نیاز نماید. چرا که اساسا خود از کمبود تحقیقات میدانی در این‌ حوزه گلایه‌مند است و صرفا می‌خواهد راهنما، الگو و قالبی برای تحقیقات میدانی پیش‌رو باشد.

مقاله «روحانيت و موقعيت جديد» –علیرضا شجاعی زند- [فصلنامه شيعه شناسي، شماره ۲](http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=4873&Number=38&Appendix=0&lanf=Fa)۷- سال ۱۳۸۸

شجاعی‌زند در این مقاله مجددا بر پایه‌ی یک تحلیل نظری، روحانیت را با یک موقعیت جدید مواجه می‌داند. این موقعیت جدید ناشی از مجموعه تحولاتی است که در سطوح مختلف «جهانی»، «ساختاری» و «ارتباطی» رخ داده و تأثیرات خود را بر روحانیت و مخاطبان و مناسبات فی‌مابین آنها باقی گذارده است. روحانیت علاوه بر درک این موقعیت جدید، نیاز دارد از طریق بازیابی جوهره وجودی، به بازبینی نقش، کارکرد و رویه‌های سنتی و جاری خویش بنشیند و با قبول برخی تغییرات ارادی، آگاهانه و به موقع، خود را برای مدیریت تغییرات لازم در محیط و دیگران آماده سازد. موقعیت جدید مد نظر شجاعی‌زند، با پیشروی دست‌کم دو فرآیند بسیار گسترده و موثر، یعنی «جهانی شدن» و «عرفی شدن» و پیامدهای عمیق و ساختارهای آن بر «جامعه» و در سطوح نازل‌تر، بر مخاطبان (تحصیل‌کردگی، پرمشغلگی، اقتضائات شغلی، تنوع دین‌داری) و روحانیت و بر نظام ارتباطی، از ادوار پیش از خود متمایز می‌شود.

در ادامه شجاعی زند به منظور تعیین استراتژی تغییر در مواجهه‌ی فعال با موقعیت جدید، واکاوی جوهر وجودی روحانیت را بیش از هرچیز ضروری قلمداد می‌کند و بررسی آن را از خلال چهار مسیر درون دینی، بررسی تاریخ، بررسی تجربی و بررسی تحلیلی-منطقی میسر می‌داند. سپس می‌گوید «ما بی‌آنکه در اهمیت تک‌تک مسیرهای فوق در بررسی این پدیده و لزوم یافتن پاسخ‌های هرچه قانع‌کننده‌تر، برای پرسش‌های تحقیق تردیدی روا داریم، تمرکز خویش را در این مقال، بر مسیر چهارم قرار خواهیم داد و تأمل عقلی در چیستی، در ضرورت وجودی و اقتضائات نقشی و کارکردی روحانیت اکتفا خواهیم کرد.»

این تحقیق در ترسیم موقعیت جدید پیش روی روحانیت، حاوی مطالب ارزشمندی است و به تحقیق پیش‌رو کمک خواهد رساند اما در ادامه مسیرِ این تحقیق که کاری تجربی و میدانی از خلال پژوهشی کیفی است از مقاله‌ی شجاعی‌زند که بر پایه‌ی تحلیل‌های نظری عقلی-منطقی است، جدا خواهد شد.

1. مقاله «[الگویی برای بررسی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیان در ایران؛ نقد مقاله دکتر شجاعی‌زند](http://www.shiitestudies.com/article_28796.html)»- [کاظم سام دلیری](http://www.shiitestudies.com/?_action=article&au=137414&_au=%DA%A9%D8%A7%D8%B8%D9%85++%D8%B3%D8%A7%D9%85+%D8%AF%D9%84%DB%8C%D8%B1%DB%8C)- فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۵۶- سال ۱۳۹۵

سام دلیری که پایان‌نامه‌اش (شماره‌ی ۱) مورد بررسی قرار گرفت، این مقاله را در نقد مقاله‌ی علیرضا شجاعی‌زند که (شماره‌ی ۲) معرفی شد،‌ نگاشته است. گویی مقاله‌ی شجاعی‌‌زند که به عنوان نقدی بر برخی نتایج پایان‌نامه سام دلیری که خود شجاعی‌زند راهنمایی آن را بر عهده داشته است، نوشته شده و سام دلیری در مقاله‌ای دیگر در پی نقد مقاله‌ی شجاعی‌زند است.

او درباره مقاله‌اش می‌گوید «مقاله شجاعی‌زند با عنوان «کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران، الگویی برای بررسی» از جمله معدود کارهایی است که وظیفه خود را شناخت عوامل موثر بر کاهش نفوذ اجتماعی روحانیون در ایران دانسته است. با وجود تلاش مفید، کار وی به دلایل متعدد ناتوان از حصول به اهداف تعریف شده است. لذا مقاله حاضر، می‌کوشد با نقد محتوایی نوشته فوق، در دو بعد بیرونی و درونی،‌ ابهامات، نقایص و اشکالات آن را نشان دهد و اثبات کند مقاله نویسنده، نه الگویی مناسب برای تبیین علل کاهش نفوذ اجتماعی این قشر است و نه توانسته این مسأله را تبیین کند. در ادامه بحث، الگوی مختار این قلم به عنوان بدیل الگوی مورد نقد ارائه می‌شود.»

1. مقاله «انواع دین‌داری و روحانیت؛ بررسی تأثیر نوع دین‌داری بر تبعیت از روحانیان»- [کاظم سام دلیری](http://www.shiitestudies.com/?_action=article&au=137414&_au=%DA%A9%D8%A7%D8%B8%D9%85++%D8%B3%D8%A7%D9%85+%D8%AF%D9%84%DB%8C%D8%B1%DB%8C)- فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۵۲- سال ۱۳۹۴

سام دلیری در این مقاله بر اساس یک پیمایش به این نتیجه می‌رسد که هر‌چه اعتقاد دینداران به نقش‌ها و وظایف روحانیت (ضرورت کارکردی و وجودی آنان) و برخی احکام و عبادات دینی کاهش یابد و هر‌چه نیاز آنان توسط بدیل‌های روحانیت مرتفع شود و نیز هر چه ناپای‌بندی به ابعاد دین بیش‌تر باشد، تبعیت دینداران از روحانیان رو به تنزل خواهد گذارد.

به‌رغم نفوذ تاریخی روحانیان در ایران و تبعیت جامعه از آنان، در دهه‌‌های اخیر، شدت و گستره تبعیت جامعه از این قشر کاهش داشته است؛ اما علل این کاهش چیست؟ به لحاظ نظری، به سه دسته علت کلان در این زمینه می‌توان اشاره کرد: عللی که به تحولات ساختاری اشاره دارند؛ عللی که تأکیدشان بر تحولات در روحانیان است و عللی که بر مخاطبان آنان (مردم) متمرکزند. در این مقاله، تأکید بر علل مربوط به مخاطبان روحانیان است و به نوع دین‌داری آنان به عنوان علت مؤثر بر کاهش تبعیت از روحانیت اشاره می‌شود. لذا سه نوع دین‌داری مشخص شد که منطقاً بر تبعیت از روحانیت تأثیر دارند. این سه نوع دین‌داری عبارتند از: دین‌داری بی‌واسطه، دین‌داری بی‌نیاز از روحانیت و دین‌داری ناپای‌بند. پس از توضیح و بسط نظریِ مکانیزم اثرگذاری این دین‌داری‌ها بر روابط دینداران با روحانیان، سه فرضیه منتج از بحث، به محک تجربه گذارده شد. نتایج تحقیق که به شیوه‌ پیمایش انجام گرفت، مؤید فرضیه‌هاست؛ یعنی مشخص شد: هر‌چه اعتقاد دینداران به نقش‌ها و وظایف روحانیت (ضرورت کارکردی و وجودی آنان) و برخی احکام و عبادات دینی کاهش یابد و هر‌چه نیاز آنان توسط بدیل‌های روحانیت مرتفع شود و نیز هر چه ناپای‌بندی به ابعاد دین بیش‌تر باشد، تبعیت دینداران از روحانیان رو به تنزل خواهد گذارد.

1. پایان نامه «[سنجش میزان اعتماد اجتماعی نسبت به روحانیت و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)](https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/571964)»- معصومه صالحی- دانشگاه اصفهان،‌ دانشکده ادبیات و علوم انسانی- سال ۱۳۹۱

معصومه صالحی در یک پژوهش کمی میزان اعتماد اجتماعی به روحانیت را مورد واکاوی قرار داده است. این پژوهش که با نمونه ۳۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه اصفهان صورت گرفته است چنین نتیجه می‌گیرد که سطح اعتماد به روحانیت تا حدی از حد متوسط پایین‌تر است و دارای همبستگی معنی‌داری با دین‌داری، سبک زندگی، کنش سیاسی، علم و دانش روحانیون و نقش روحانیون است.

از آنجا که مفهوم «اعتماد اجتماعی» ارتباط تنگاتنگی با مفهوم «کارکرد اجتماعی» دارد این تحقیق می‌تواند به تحقیق پیش‌رو کمک رساند. اما اتکای این تحقیق بر روش کمی از طرفی و عدم واکاوی و تمرکز بر روی مسئله‌ی نفوذ و کارکرد اجتماعی از طرفی دیگر، راه آن تحقیق را از تحقیق پیش‌رو جدا می‌سازد.

1. کتاب «دوراهی روحانیت: جستارهایی درباره مرجعیت شیعه در ایران معاصر»- کمال رضوی با مقدمه سارا شریعتی- نشر آرما- سال ۱۳۹۸

کتاب از مقدمه دکتر سارا شریعتی و یک پرآمد و دو بخش تشکیل شده است. سارا شریعتی در مقدمه کتاب دوگانه‌ای مفهومی از علی شریعتی ذکر میکند که روحانیت در قامت یک نهاد مدنی یک ضرورت است و در قامت یک گروه منزلتی نشان رسمی شدن دین است. بخش اول کتاب با عنوان «جایگاه اجتماعی مرجعیت (صورت‌بندی‌های مفهومی)»  به بررسی ابعاد جامعه شناختی تحلیل مرجعیت در قالب نهاد اجتماعی، نهاد مدنی و گروه منزلتی در سه فصل مجزا می پردازد. با این نگاه این کتاب تلاش می‌کند نهاد روحانیت و مرجعیت را از یک گروه منزلتی به یک نهاد مدنی سوق دهد تا تفاوت‌های جهان جدید با جهان قدیم را درک کند و بر اساس آن رویکردهای اجتماعی جدیدی را پیش گیرد. بخش دوم کتاب با عنوان «مرجعیت در تاریخ معاصر ایران» شامل شش فصل است که در واقع هر یک جستارهای مجزا با رویکرد جامعه‌شناختی - تاریخی هستند.

مباحث این کتاب عمدتا برپایه‌ی تحلیل‌های نظری جامعه‌شناختی و تاریخی است و کمتر بر اساس داده‌های میدانی پیش ‌می‌رود.

1. کتاب از پل تا جزیره- مهدی سلیمانیه – نشر آرما- سال ۱۳۹۷

این کتاب شامل پنج مقاله از نویسنده است که همه قبلتر در جای دیگر منتشر شده‌اند. به جز مقاله آخر که پیشنهادی برای حرکت به سمت «جامعه‌شناسی استفتائات» است، سایر مقالات از زاویه‌های مختلف به تفاوت موقعیت روحانیت قبل و بعد از انقلاب می‌پردازند. نویسنده کتاب معتقد است یکی از بارزترین تفاوت های میان اهل سنت و تشیع، وجود «نهاد روحانیت» در تشیع است. پس از انقلاب، روحانیت برای نخستین بار در تاریخ شیعه، در رأس قدرت سیاسی جامعه قرار گرفت و یکی از مهم ترین وجوه ممیزه ی اجتماعی تشیع یعنی نهاد رسمی دین متحول شده است. مقاله «پل تا جزیره، تحلیلی بر تغییر شبکه ی اجتماعی روحانیون در موقعیت پساانقلابی» که عنوان کتاب هم بر همان اساس انتخاب شده است، بیشترین ارتباط را با تحقیق پیش‌رو دارد و تبیین می‌کند که هستی اجتماعی روحانیت قبل و بعد از انقلاب از وضعیت پل به وضعیت جزیره تغییر کرده است. حرفه‌های پل حرفه‌هایی هستند که با طیف گسترده‌ای از مشاغل و اقشار اجتماعی رابطه دارند و ماهیت رابطه‌شان تعاملی و دو طرفه است در مقابل حرفه‌های جزیره که ارتباطات محدود یک سویه با طبقات اجتماعی دیگر دارند. در مقاله‌های بعد به بررسی حوزه بروکراتیزه، نظام آموزشی حوزه، خودی و دیگری‌های حوزه و پیشنهادی برای حرکت به سمت جامعه‌شناسی استفتائات می‌پردازد.

مقالات این کتاب هم همچون کتاب کمال رضوی کمتر مبتنی بر داده‌های آماری و میدانی است و بیشتر مبتنی بر تحلیل‌های نظری می‌باشد که می‌تواند در پژوهش‌های آماری مورد استفاده قرار گیرد.

1. کتاب نوسازی و تغییرات اجتماعی، دین‌داری و روحانیت در ایران امروز- کاظم سام دلیری – نشر جامعه‌شناسان- سال ۱۳۹۷

این کتاب از دو بخش و ۴ فصل تشکیل شده است. در بخش اول سام دلیری به پیامدهای فرهنگی ناشی از نوسازی در ایران می‌پردازد که زمینه‌ساز شکل‌گیری شکل‌های جدید دین‌داری در قیاس با شکل‌های سابق شده است. بر اساس یک پیمایش نشان می‌دهد که نوسازی باعث شده است که انواع جدید دین‌داری بوجود آید و دین‌داری بی‌واسطه تبدیل به یکی از اشکال مهم دین‌داری در ایران امروز شده است چرا که ۳۵ درصد از پاسخگویان اعتقادی به نقشها و وظایف روحانیت ندارند. شکل دیگری از دین‌داری، دین‌داری بی‌نیاز از روحانیت است یعنی هرچند دین‌داران معتقد‌اند روحانیت نقشها و وظایفی برعهده دارد اما برای برطرف کردن نیازهای دینی تمایل کمی برای مراجعه به او احساس میکنند. در مقاله بعد نشان ‌می‌دهد که این اشکال جدید دین‌داری چطور منجر به کاهش نفوذ روحانیت می‌شوند و تبیین می‌کند که هرچقدر پای‌بندی به دین و اعتقاد به نقش و وظیفه روحانیت کمتر باشد تبعیت از روحانیت هم کمتر می‌شود. در بخش دوم مقاله «كاهش نفوذ اجتماعي روحانيت در ايران، الگويي براي بررسي» دکتر شجاعی‌زند و و مقاله «[الگویی برای بررسی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیان در ایران؛ نقد مقاله دکتر شجاعی‌زند](http://www.shiitestudies.com/article_28796.html)» سام دلیری گنجانده شده است.

عمده بخش‌های مهم این کتاب در کارهای قبلی سام‌دلیری که در موارد قبل مورد بررسی قرار گرفت، منعکس شده بودند و در این کتاب به شکل منسجم‌تر ارائه شده‌اند.

این موارد مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این‌باره بودند که به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفتند. پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارند که یا بر کارکرد و نقش روحانیت در «ایران معاصر» تمرکز ندارند و عمدتا آن را در زمان قاجاریه یا صفویه یا پهلوی و نهایتا تا انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهند و عمدتا متکی بر داده‌های اسنادی هستند که به شکل تفصیلی در ادبیات تجربی تحقیق مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

پژوهش‌های محدود مرتبط با کارکرد اجتماعی روحانیت در ایران معاصر، یا متکی بر روش‌های کمی صورت پذیرفته‌اند و یا بر اساس تحلیل‌ نظری و بدون پشتوانه تحقیق میدانی انجام شده‌اند و هیچ تحقیق کیفی‌ای‌ که به نقش و کارکرد اجتماعی روحانیت بپردازد و خصوصا برای بررسی این موضوع به سراغ خود روحانیون برود و از زاویه نگاه آنان به این مسئله نگاه کند، یافت نگردید. به نظر می‌رسد علاوه بر تأکید و تمرکز بر کاهش یا افزایش نفوذ اجتماعی روحانیت و عوامل آن (که عمدتا تحقیق‌های کمی انجام شده دنبال می‌کنند) می‌توان به این مسئله از زوایای گسترده‌تر، پیچیده‌تر و عمیق‌تری پرداخت. دیدگاه روحانیون درباره نوع و شکل‌های جدید ارتباطشان با مردم و مقایسه آن با شکل‌ها و مدل‌های سابق، بازشناسی ارتباط روحانیون با گروه‌های مختلف اجتماعی و ردیابی پایگاه‌های اجتماعی جدید و تغییرات نسبت ارتباط روحانیون با پایگاه‌های مختلف و نظر خود روحانیون درباره‌ی وضعیت فعلی و چشم‌انداز آینده نقش و جایگاه و کارکردشان در جامعه و غیره، مسائلی است که تحقیق‌های موجود به آن نپرداخته‌اند.

## روحانیت

### تعریف نهاد روحانیت

### تاریخچه نهاد روحانیت

## کارکرد اجتماعی

## رویکرد تفسیری

## پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسی تفسیری

## تحلیل تماتیک

## تحلیل تماتیک

### معرفی ابتدایی

### اصول پدیدار‌شناسی

### مزیت‌های‌ روش پدیدارشناختی برای این تحقیق

### وبر

### هوسرل

### شوتز

# فصل سوم- روش تحقیق

### مقدمه

### رویکردها در روش تحقیق

### روش کیفی و مقایسه با سایر روش‌ها

### تحلیل مضمون

# فصل چهارم- یافته‌های تحقیق

# فصل پنجم- نتیجه‌گیری

# منابع

## روش

کلمه تم یا Theme در زبان انگلیسی به معنی موضوع است. یعنی ما داریم از درون اطلاعات پراکنده و زیاد، موضوعات مختلفی را دسته بندی و استخراج می کنیم و این کار را چند مرحله تکرار می کنیم  تا از موضوعات بزرگ، به موضوعات قابل استفاده تر برسیم و پاسخ سوالات تحقیق خود را در بیاوریم.

به زبان علمی به اینکار کدگذاری یا Coding می گویند.نگران نباشید! همه این موارد را سر کلاس با جزییات بیشتری می آموزیم و تمرین می کنیم. دقت کنید که استفاده از این روش اجباری نیست. اما با توجه به رویکردی که اکثر تحقیقات شما در نظر گرفته است، پیشنهاد می کنیم نهایتا روش تحلیل تم را به عنوان روش تحقیق مقاله شماره یک خود انتخاب نمایید مگر اینکه روش مناسب تری به استاد راهنما یا استاد مشاور خود پیشنهاد دهید.

از مهمترین دلایل پیشنهاد ما برای استفاده از  روش تحلیل تم، انعطاف کاربردی و سهولت بکارگیری آن  در گردآوری و تحلیل داده ها  است.

 این روش به عنوان یک روش کیفی معتبر، در استخراج و تحلیل و تصحیح چند باره داده ها روشی بسیار خوب است.

کلارک و براون (2006) معتقدند «تحلیل تِم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگو های (تِم­ها) موجود درون داده­ ها است. این روش در حداقل خود داده ­ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می­کند. اما می تواند از این فراتر رفته و جنبه­ های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده، و ظریف هستند و تحلیل تِم بایستی به عنوان یک روش اساسی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته شود. تحلیل تِم نخستین روش تحلیل کیفی است که محققان باید فرا بگیرند، زیرا این روش، مهارت­های اصلی که برای اجرای بسیاری از روش­های دیگر تحلیل کیفی لازم است را فراهم می­ آورد»

همچنین می دانیم ابزار مصاحبه عمیق  برای محقق در اخذ داده های عمیق  و سپس پیاده سازی و علامت گذاری چندباره آنها فراهم آورد.در روش تحلیل تم برای اینکه محقق با عمق و گستره محتوایی داده­ ها آشنا شود لازم است که خود را در آنها تا اندازه­ای غوطه ­ور سازد. غوطه­ ور شدن در داده­ها معمولاً شامل "بازخوانی مکرر داده­ ها" و خواندن داده­ ها به صورت فعال (یعنی جستجوی معانی و الگوها) است:

## برگرفته شده از nextresearchers.blog.ir

بحث:

v     آنطور که مزینی(1396)و بسیاری از افرادی که از مصاحبه در تحقیق کیفی استفاده نموده اند و  به تفکیک مراحل کدگذاری پرداخته اند، شما نیز ابتدا در رابطه با «کدگذاری باز » باید مضمون اصلی عبارات مصاحبه  را جمع و مفاهیم اولیه را بنویسید.

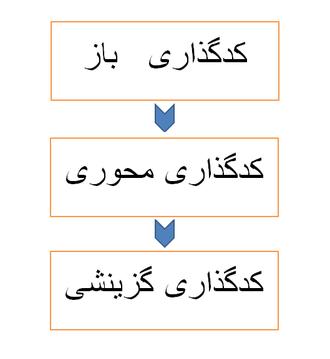
سپس نوبت به کشف مشابهت ها و تمایزات بین همان مفاهیم می رسد. (یعنی اینکه کدامیک از این مفاهیم با همدیگر قرابت معنایی بیشتری دارند). لذا هر چند مفهومی را که با همدیگر نزدیکتر بودند، باید در یک دسته قرارگیرد و سعی شود برای آن مجموعه مفاهیم گزارشی شبیه داستانک نوشته گردد.(در اصطلاح، آن مجموعه به اختصار تفسیر گردید) تا اینکه در حین تفسیر این مجموعه نزدیک به هم، به مرور  یک مضمون کلی تر در ذهن پژوهشگر  شکل گیرد (که به آن مفهوم کلی و در برگیرنده مفاهیم جزیی تر در این پژوهش « مقوله» و  به مجموعه عملیاتی که ما را از مفاهیم به این مقولات می رساند نیز «کدگذاری محوری»گفتیم.

[](http://bayanbox.ir/info/8814771526277993873/2)

شکل(2) – فرایند کشف مقولات

vوقتی مقولات شناسایی شد، نوبت به این مرحله رسید که «بین مقولات چه ارتباطی» وجود دارد.

مثلا آیا بعضی از این مقولات با برخی دیگر رابطه جزء و کل دارند یا برخی از آنها در طول  برخی دیگر قرار دارندو آیا می شود گفت برخی از آنها حکم بستر و زمینه ای را دارند که شرایط را برای شکل گیری برخی دیگر فراهم کرده اند؟ آیا برخی از این مقولات در حکم پیامدها و آثار برخی دیگر یا عوامل پدیده آورنده آنها  نیستند؟ هرجا که به رابطه ای  مشخص بین مقولات رسیدیم،سعی کردیم یک داستانک جدید برای ربط این مقولات بنویسیم وبه عبارتی آن را تفسیر کنیم. این فرآیند را به تاسی از پژوهشگران قبلی«کدگذاری گزینشی» نام نهادیم.

[](http://bayanbox.ir/info/4465967250790238817/1)

شکل( 3 ) \_ سلسله مراتب کدگذاری در ارتباط با استخراج داده ها

## فرضیات تحقیق

تکرار سخنان پیشینیان و گرداوری و ارائه‌ی آن در قالبی جدید تحقیق نیست. تحقیق فایده‌مند است و به مسئله‌ای جدید یا دسته‌کم زاویه‌ای جدید از مسئله‌ای قدیمی می‌پردازد. سوالی جدید می‌پرسد و یا تناقضی جدید را آشکار می‌کند و یا در مواردی پاسخ‌هایی نو و از دریچه‌ای متفاوت به سوالاتی کهنه می‌دهد. تحقیق باید حاوی آورده‌ای جدید باشد. از همین روست که موضوع مورد مطالعه باید به آن میزان جزئی باشد که بتوان از عهده آن برآمد و علم را یک گام به جلو پیش برد. در چنین وضعیتی سخن از فرضیات تحقیق به میان می‌آید. فرضیات تحقیق آن دسته از ادعاها و مطالبی هستند که در تحقیق برای اثبات درستی آنها ادله و شواهدی به میان نمی‌آيد.